

## Mystical teachings in the Gospels of Nova and the Gospel of John

Ali Ranjbar <sup>1</sup>

1. Corresponding Author, Ph.D. Candidate, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Iran.  
E-mail: [Ali\\_Ranjbar\\_59@yahoo.com](mailto:Ali_Ranjbar_59@yahoo.com)

---

---

### Article Info

**Article type:**  
Research Article

**Article history:**

Received: 20 Octobre 2021  
Received in revised form:  
11 Novembre 2021  
Accepted: 11 Novembre 2021  
Published online:  
21 Novembre 2022

**Keywords:**

Doctrine,  
Mysticism,  
Mysticism,  
Gospel,  
Christianity

### ABSTRACT

Divine religions have outward and inward aspects. The mystical teachings of any religion express the esoteric aspects of that religion which, in addition to the prophets and Hosea, mystics can also attain to a great extent through austerity, discovery and intuition. Christianity is one of the religions that has an esoteric and mystical aspect. The Christian Bible consists of two parts, the Old Testament and the New Testament. The Jews only accept the Old Testament. But Christians accept the whole of the Old and New Testaments as the Bible, and the New Testament itself consists of the four Gospels, Matthew, Mark, Luke, and John. These four gospels are at the beginning of the New Testament. The first three Gospels are also called the New Gospels. In this study, we seek to obtain the mystical content and teachings of these Gospels. Examining the Gospels, we come to the conclusion that these Gospels contain mystical teachings and topics: asceticism, monasticism, and mystical experiences. And in the Gospel of John, mystical contents and teachings: direct encounter with God, entry into the kingdom of God, unity of existence, perfect man, second birth and the three stages of Seleucid (cultivation, enlightenment and unity) are stated. Is.

---

**Cite this article:** Ranjbar, A. (2021). Mystical teachings in the Gospels of Nova and the Gospel of John. *Studies in Comparative Religion and Mysticism*, 5 (2), 1-20. DOI: 10.22111/jrm.2022.42393.1089



© The Author(s).  
DOI: 10.22111/jrm.2022.42393.1089

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

---

## آموزه‌های عرفانی در اناجیل هم نوا و انجیل یوحنا

علی رنجبر<sup>۱</sup>

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکترای ادیان و عرفان موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ایران. رایانامه: [Ali\\_Ranjbar\\_59@yahoo.com](mailto:Ali_Ranjbar_59@yahoo.com)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	ادیان الهی دارای جنبه‌های ظاهری و باطنی اند. آموزه‌های عرفانی هر دین، بیان‌کننده جنبه‌های باطنی آن دین است که افزون بر انبیا و اوصیاء، عارفان نیز می‌توانند از راه ریاضت و کشف و شهود، به مراتبی از آن دست یابند. مسیحیت از جمله ادیانی است که دارای جنبه باطنی و عرفانی است. کتاب مقدس مسیحیان مشتمل بر دو بخش عهد قدیم و عهد جدید است. یهودیان تنها عهد قدیم را قبول دارند. اما مسیحیان، مجموع عهد جدید و قدیم را به عنوان کتاب مقدس، قبول دارند. عهد جدید خود مشتمل بر چهار انجیل، متی، مرقس، لوقا و یوحنا است. این چهار انجیل در ابتدای عهد جدید قرار دارند. به سه انجیل اول، اناجیل هم نوا می‌گویند. ما در این پژوهش بر آن هستیم تا مطالب و آموزه‌های عرفانی این اناجیل را بدست بیاوریم. با بررسی اناجیل هم نوا، به این نتیجه می‌رسیم که این اناجیل مشتمل بر آموزه‌ها و مباحث عرفانی: زهد‌گرایی، رهبانیت و تجربه‌های عرفانی هستند. و در انجیل یوحنا، مطالب و آموزه‌های عرفانی: مواجهه مستقیم با خداوند، ورود به ملکوت خداوند، وحدت وجود، انسان کامل، تولد ثانی و مراحل سه‌گانه سلوکی (تزکیه، اشراق و اتحاد) بیان شده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۰	
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۸/۱۰	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۲۰	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۸/۳۰	
واژه‌های کلیدی:	
آموزه،	
عرفان،	
عارف،	
انجیل،	
مسیحیت	

استناد: رنجبر، علی (۱۴۰۰). آموزه‌های عرفانی در اناجیل هم نوا و انجیل یوحنا. *مطالعات ادیان و عرفان تطبیقی*، ۵ (۲)، ۱-۲۰.

DOI: 10.22111/jrm.2022.42393.1089



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

## مقدمه

عرفان به معنای شناختن خدای سبحان از حیث اسما و صفات و مظاهرش، از راه شهود درونی و دریافت باطنی است. هر یک از ادیان الهی مشتمل بر گرایش عرفانی و دارای آموزه های عرفانی هستند. مسیحیت از جمله ادیانی است که مشتمل بر جنبه عرفانی است. در این پژوهش ما بر آن هستیم که ببینیم آیا اناجیل چهار گانه، که بخشی از کتاب مقدس مسیحیان است مشتمل بر آموزه های عرفانی می باشند؟ آیا اناجیل از این جهت، با یکدیگر متفاوت هستند؟ برای رسیدن به این منظور به جستجوی آموزه های عرفانی مطرح شده در اناجیل، پرداخته شده است. تحقیقات انجام شده درباره آموزه های عرفانی اناجیل چهارگانه بسیار اندک است. آنچه که انجام شده نیز با بصورت مستقل به این موضوع نپرداخته اند و یا به مانند تحقیق حاضر کامل نیستند.

## عرفان و عارف

واژه «عرفان» و «معرفت» از نظر لغوی معنای واحدی دارند و هر دو به معنای «شناختن» هستند. اما در اصطلاح، «عرفان» از «معرفت» تفکیک شده و به معنایی خاص به کار می رود. در حالی که واژه «معرفت» اطلاق دارد و هر نوع شناختی را شامل می شود، «عرفان» در اصطلاح به شناخت ویژه ای اختصاص یافته که از راه حس و تجربه یا عقل و نقل به چنگ نمی آید؛ بلکه از راه شهود درونی و دریافت باطنی حاصل می شود. (مصباح یزدی، بی تا، ص ۳۳). عرفان و معرفت شهودی به خدای متعال ریشه در فطرت خداخواه بشر دارد و در شمار نیازهای اصیل انسانی است. بروز این نیاز تاریخ بشر را آکنده از اندیشه ها و تمایلات گوناگون عرفانی کرده و طیف وسیع، رنگارنگ و چشم نوازی از جملات، مقالات، کتابها و آموزه های معرفتی را در منظر انسانها قرار داده است. (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بی تا، ص. ۱۸).

قیصری در مورد عرفان می گوید: «پس حدّ عرفان، علم به خدای سبحان است از حیث اسما و صفات و مظاهرش و احوال مبدا و معاد و همچنین علم به حقایق عالم و کیفیت بازگشت آنها به یک حقیقت واحد که ذات الهی است و نیز معرفت راه سلوک و مجاهدت برای رهایی نفس از قیود جزئیت و اتصال آن به مبدأش و اتصاف آن به حقیقت اطلاق و کلیت.» (قیصری، بی تا، ص. ۷).

عارف کسی است که خدا را از روی محبت عبادت می کند. علامه طباطبایی می گوید: «عارف کسی است که خدا را از راه مهر و محبت پرستش می کند نه به امید ثواب و نه از ترس عقاب و از این جا

روشن است که عرفان را نباید در برابر مذاهب دیگر مذهبی شمرد بلکه عرفان راهی است از راه‌های پرستش - (پرستش از راه محبت نه از راه بیم یا امید) و راهی است برای درک حقایق ادیان در برابر راه ظواهر دینی و راه تفکر عقلی. هر یک از مذاهب خداپرستی حتی وثنیت، پیروانی دارد که از این راه سلوک می‌کنند وثنیت و کلیمیت و مسیحیت و مجوسیت و اسلام عارف دارند و غیر عارف «طباطبایی، ۱۳۸۸ش، ص. ۹۶».

ادیان بزرگ جهان، از جمله اسلام و مسیحیت دارای گرایش عرفانی هستند. «عده ای عقیده دارند که عرفان قلب دین، و کلید وحدت تمامی دین ها است». (هینلز جان راسل، ۱۳۸۶، ص. ۴۴۳).

### عرفان مسیحی

اگر چه اصطلاح عرفان در سده هفدهم وضع شد، غایت مهمی را توصیف می‌کند که مسیحیان همواره در صدد دستیابی به آن بوده اند: دیدار با خدا. (صبائی، ۱۳۹۷ش، ص. ۱۳۷) عارف مسیحی، «مک‌گین» عرفان را تلاشی معرفی می‌کند در راستای بیان آگاهی بی واسطه از حضور الهی: "رکن عرفانی دین مسیح آن جزئی از اعمال و عقاید این دین است که مربوط می‌شود به زمینه سازی برای، آگاهی از، و واکنش به آن چیزی که حضور بی واسطه یا مستقیم خدا توصیف می‌شود" ( صبائی، ۱۳۹۷ش، ص. ۱۳۷). شاید آدمی به این تفکر خوی گرفته باشد که قرن شانزدهم، یعنی قرن عرفای بزرگ اسپانیایی، را دوره ای بدانند که خاص نوشتارهای عرفانی است در واقع، آثار قدیسه ترزا و قدیس یوحنا صلیبی دستاوردهای عالی «الهیات عرفانی» یعنی - تا آنجا که ممکن است - بیان نظری شناخت تجربی خدا هستند. اما باید به یاد داشته باشیم که از آغاز دوران مسیحیت نویسندگانی بودند که درباره عرفان می‌نوشتند. (کاپلستون، ۱۳۸۸ش، ص. ۲۱۱).

خاستگاه‌های عرفان مسیحی را باید در عهد جدید، در تجربه خود عیسی، در الهیات انجیل قدیس یوحنا، در تجربه رؤیاگونه مندرج در کتاب مکاشفه و در تعالیم قدیس پولس جستجو کرد. (سلیمانی، ۱۳۸۷ش، ص. ۲۹).

### کتاب مقدس

کتاب مقدس از دو قسمت عهد عتیق و عهد جدید تشکیل شده است. «مسیحیان معتقدند که خداوند جهت نجات انسانها دو عهد و پیمان با انسانها بسته است. یکی عهدی است که پیش از آمدن مسیح بسته است که آن، نجات از راه عمل به شریعت و احکام سنگین الهی است، تورات به معنای شریعت

است... دیگری عهدی است که پس از آمدن حضرت عیسی (ع) و فدا شدن و به صلیب کشیدن او بسته است و آن نجات از راه ایمان به پسر خدا بودن حضرت عیسی و قربانی شدن او به عنوان کفاره گناهان انسان هاست. انجیل به معنای بشارت است. در حقیقت پیام عهد جدید این بشارت است که با ایمان به مسیح و قربانی شدن او به رستگاری برسید» (نیکزاد، ۱۳۹۳ش، ص ۲۱-۲۲).

در عهد جدید می‌خوانیم: «پس ملاحظه می‌کنید که با اجرای شریعت کسی هرگز نمی‌تواند رضایت خدا را حاصل کند. در واقع هر چه بیشتر شریعت را بدانیم، بیشتر پی می‌بریم که آن را زیر پا گذارده ایم. شریعت فقط چشمان ما را باز می‌کند، تا گناهان خود را ببینیم. اما اکنون خدا راه دیگری برای نجات به ما نشان داده است. ما تا بحال سعی می‌کردیم با اجرای مقررات و تشریفات مذهبی، به این نجات و رستگاری دست یابیم و در حضور خدا پاک و بی‌گناه شمرده شویم. اما در این راه نوین، دیگر چنین نیست، هر چند که این راه، چندان هم تازه نیست زیرا کتاب آسمانی ما از زمانهای گذشته نوید آن را داده بود. اینک خدا چنین مقرر داشته که اگر کسی به مسیح ایمان بیاورد، از سر تقصیرات او بگذرد و او را کاملاً «بی‌گناه» به حساب آورد. همه انسانها نیز بدون توجه به مقام و یا سوابقشان، می‌توانند از همین راه، یعنی «ایمان به عیسی مسیح» نجات پیدا کنند.» (رومیان ۳، ص ۲۰-۲۳).

### اناجیل

چهار کتاب آغازین عهد جدید "انجیل" خوانده می‌شوند. واژه "انجیل" برگرفته از واژه یونانی euangelion و به معنای "مژده" است. انجیل گونه‌ای از ادبیات الهامی است که به مسیحیت اختصاص دارد. (توماس، ۱۳۸۱ش، ص ۴۳).

اناجیل چهارگانه عبارتند از: انجیل متی، انجیل مرقس، انجیل لوقا و انجیل یوحنا. «اعتقاد رایج این است که این انجیل {مرقس} قدیمی‌ترین انجیل است. و تالیف آن به حدود سال ۶۰ برمی‌گردد.» (همان، ص ۴۵). لوقا در انجیلش «با آنکه بسیار به انجیل مرقس تکیه می‌کند در نوشته خود برخی از اندیشه‌های کلامی را وارد کرده که در دو انجیل قبلی وجود ندارد.» (همان، ص ۴۶).

مطالب اناجیل متی، مرقس و لوقا شبیه یکدیگر است، لذا به آنها اناجیل هم نوا می‌گویند. اما مطالب انجیل یوحنا متفاوت با اناجیل هم نوا می‌باشد.

از نظر برخی محققان، نوشته های یوحنا بسیار بیشتر از محققان دیگری مانند پولس، فیلون و .... بر عرفان مسیحی تاثیر داشته است. بنابراین یوحنا، نسبت به پولس، بیشتر سزاوار نام عارف است. (بادامی، ۱۳۹۰ ش). «از آنجایی که میان اناجیل هم دید<sup>۱</sup> و نوشته های یوحنا تفاوت چشمگیری وجود دارد، در سنت مسیحی انجیل یوحنا به عنوان "انجیل روحانی"، قلمداد می شود و یکی از منابع اصلی برای پیام عرفانی مسیحیت به شمار می رود» (بادامی، ۱۳۹۰ ش).

### آموزه های عرفانی اناجیل هم نوا

اناجیل هم نوا یکی از منابع عرفان مسیحی است. با مطالعه و نگاه عمیق به این اناجیل، متوجه می شویم که در برخی عبارات آن، مباحث و آموزه های عرفانی بیان شده است که در اینجا به آنها اشاره می شود.

### زهد گرایی

مطابق برخی عبارات اناجیل، زهد ورزی راه بخشیده شدن گناهان و رسیدن به کمال است. «عیسی بدو گفت: "اگر بخواهی کامل شوی رفته مایملک خود را بفروش و به فقرا بده که در آسمان گنجی خواهی داشت و آمده مرا متابعت نما."» (متی، ۱۹، ص. ۲۱)

زهد ورزی و بی اعتنا بودن نسبت به مال دنیا، راه رسیدن به ملکوت خداست. عیسی (ع) ثروت را مانع رسیدن به ملکوت خدا بیان کرده، به شاگردان خود می گوید: «هرآینه به شما میگویم که شخص دولتمند به ملکوت آسمان به دشواری داخل میشود. و باز شما را میگویم که گذشتن شتر از سوراخ سوزن آسانتر است از دخول شخص دولتمند در ملکوت خدا.» (۲۴، ص. ۱۹-۲۳).

فقیر بودن از نگاه عیسی، نه تنها مذموم نیست، بلکه وی یکی از وظایف خود را بشارت دادن به فقرا بیان کرده است. «روح یهوه بر من است زیرا که مرا مسح کرد تا فقیران را بشارت دهم...» (لوقا، ۴، ص. ۱۸).

<sup>۱</sup> یعنی سه انجیل متی، مرقس و لوقا که از نظر محتوی و ادبیات بسیار شبیه هم هستند.

## رهبانیت

از زمان حواریون تا کنون، برخی از مسیحیان به تقلید از مسیح تجرد و زهد را شیوه زندگی خود قرار داده‌اند. عیسی هرگز ازدواج نکرد و تعلیم داد که افرادی به خاطر "ملکوت خدا" مجرد به سر خواهند برد. (توماس، ۱۳۸۱ش، ص. ۱۴۲). در انجیل متی می‌خوانیم:

«ایشان را گفت: "تمامی خلق این کلام را نمی‌پذیرند مگر به کسانی که عطا شده است. زیرا که خصی‌ها می‌باشند که از شکم مادر چنین متولد شدند، و خصی‌ها هستند که از مردم خصی شده‌اند، و خصی‌ها می‌باشند که بجهت ملکوت خدا خود را خصی نموده‌اند. آنکه توانایی قبول دارد بپذیرد."» (متی ۱۲، ص. ۱۹-۱۱).

«پیوسته در طول تاریخ مسیحیت، تجرد یک شیوه استثنایی برای افرادی محدود از مسیحیان تلقی شده، که احساس می‌کنند بطور خاص از آنان دعوت شده تا حیات ایمانی خود را به آن شیوه ادامه دهند» (توماس، ۱۳۸۱ش، ص. ۱۴۲).

بر اساس تفکر رهبانیتی «انسان برتر کسی است که از لذات مادی دنیا چشم‌پوشد تا بتواند به تکامل روحی برسد. در این تفکر ازدواج کردن نوعی تن دادن به غرایز حیوانی است، لذا باید از آن پرهیز کرد» (ادریسی، ۱۳۸۶ش، ص. ۱۴۶). «گریگوری نوسایی...مجرد بودن را مقدس‌ترین و بهترین راه برای پارسایی معرفی می‌کند و ازدواج را "تراژدی غم‌انگیز" می‌خواند. ازدواج و گرفتار شدن در امور زندگی دنیوی را، مانع وصول به زندگی معنوی و لقاء الهی می‌داند» (ادریسی، ۱۳۸۶ش، ص. ۱۵۳).

اما در اسلام، رهبانیت مورد نهی قرار گرفته و تصریح شده که در اسلام رهبانیت نیست. «وَعَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا رَهْبَانِيَّةَ فِي الْإِسْلَامِ تَزَوَّجُوا فَإِنِّي مُكَاتِرٌ بِكُمْ الْأَمَمَ وَنَهَى عَنِ التَّبَتُّلِ وَنَهَى النِّسَاءَ أَنْ يَتَّبَتَّلْنَ وَيَقْطَعْنَ أَنْفُسَهُنَّ مِنَ الْأَزْوَاجِ» (ابن حیون، ۱۳۸۵ش، ص. ۱۹۳).

مسئله ازدواج در اسلام مورد تاکید واقع شده، و از سنت رسول خدا (ص) شمرده شده است. در حدیثی پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «النَّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي» (شعیری، بی تا، ص. ۱۰۱).

در این حدیث پیامبر اکرم(ص) امر ازدواج را سنت خود معرفی می کند و می گوید کسی که از این امر اعراض کند، از من نیست.

بنابراین امر ازدواج نه تنها مذموم نیست بلکه از سنت رسول خداست. و می تواند وسیله ای در جهت رشد و تکامل نفس باشد.

از نگاه عارفان مسلمان، تلاش، برای حل مشکلاتی که ممکن است در امر ازدواج وجود داشته باشد، نیکو و دارای پاداش است. نقل شده که «مردی ابراهیم ادهم را گفت: خنک مر تو را، خوشا به حال تو!» که فراغت عبادت داری به سبب آن که به نکاح مشغول نشدی. فرمود که ترسی که به سبب مهمات عیال در دل تو آید فاضل تر بود از همه اعمال من. آن مرد گفت: پس چرا نکاح نکنی؟ فرمود که مرا به زن حاجت نیست و نخواهم که مستوره‌ای به خود فریفته کنم. و گفته‌اند که فضل متأهل بر عذب همچنان است، که فضل مجاهد بر کسی که مجاهده نکند، و یک رکعت متأهل فاضل تر از هفتاد رکعت عذب». (احیاء علوم الدین، ۱۳۸۷ش، ص. ۴۹).

عطار درباره ماجرای دیدار ابوعلی سینا با شیخ ابوالحسن خرقانی می گوید: «نقل است که بوعلی سینا به آوازه شیخ، عزم خرقان کرد. چون به وُثاق (خانه) شیخ آمد، شیخ به هیزم رفته بود. پرسید که: شیخ کجاست؟ زنش گفت: آن زندیق کذاب را چه می کنی؟ همچنین بسیار جفا گفت شیخ را؛ که زنش منکر او بودی. حالش چه بودی! بوعلی عزم صحرا کرد تا شیخ را ببیند. شیخ را دید که همی آمد و خرواری درمنه (هیزم) بر شیری نهاده. بوعلی از دست برفت (پرشان شد). گفت: شیخا! این چه حالت است؟ گفت آری! تا ما بار چنان گرگی نکشیم - یعنی زنش - شیری چنین بار ما نکشد. پس به وُثاق (منزل) باز آمد. بوعلی بنشست و سخن آغاز کرد و بسی گفت. شیخ پاره‌ای گل در آب کرده بود تا دیواری عمارت کند. دلش بگرفت. برخاست و گفت: مرا معذور دار که این دیوار را عمارت می باید کرد، و بر سر دیوار شد. ناگاه تبر از دستش بیفتاد. بوعلی برخاست تا آن تبر به دستش باز دهد. پیش از آن که بوعلی آنجا رسد، آن تبر برخاست و به دست شیخ باز شد. بوعلی یکبارگی اینجا از دست برفت و تصدیقی عظیم بدین حدیثش پدید آمد». (عطار، ۱۳۹۵ش، ص. ۳۵۱).

### تجربه های عرفانی

انجیل مشتمل بر بیان برخی تجارب عرفانی است. مانند «تجربه "تبدل هیات مسیح" رویدادی که جملگی اناجیل همگون بر آن تاکید می ورزند... عیسی ع به همراه سه تن از حواریون (رسولان بعدی)



خویش، یعنی پطرس، یعقوب و یوحنا برای دعا و نیایش به قله کوهی رفت. در همان جا چهره او همانند خورشید درخشیدن گرفت و جامه اش چون نور سفید تابناک شد. موسی(ع) و الیاس در حالی که با وی سخن می‌گفتند در کنار او ظاهر شدند و ناگاه ابری درخشان بر ایشان سایه افکند و آوازی از ابر در رسید که: "این است پسر حبیب من که از وی خشنودم او را بشنوید" (متی ۱: ۱۷-۵) «سلیمانی، ۱۳۸۸ش، ص. ۳۰».

یکی دیگر از تجارب دینی و عرفانی که در عهد جدید بیان شده است، تجربه معروف پولس قدیس در راه دمشق است، که منجر به تغییر مسیر زندگی او شد. «پولس با کمک گرفتن از ریشه‌های یهودی خود از تجربه دینی اش با زبان ادبیات مکاشفه ای یهودی زادگاهش سخن گفت، یعنی با زبان آثاری که در آنها مکاشفات و اسفار آسمانی عموماً طریقه رسیدن به وصال الهی و راهی برای شناخت ساحت آسمانی بود» (صبائی، ۱۳۹۷ش، ص. ۲۰).

در کتاب اعمال رسولان می‌خوانیم: «و در اثنای راه چون نزدیک به دمشق رسید ناگاه نوری از آسمان دور او درخشید و به زمین افتاده آوازی شنید که بدو گفت: "شاؤل شاؤل برای چه بر من جفا میکنی؟" گفت: "ای سرور تو کیستی؟" سرور گفت: "من آن عیسی هستم که تو بدو جفا میکنی. لیکن برخاسته به شهر برو که آنجا به تو گفته میشود چه باید کرد."» (اعمال رسولان، ۹، ص. ۳-۶). در عهد جدید «تجربه ای که پولس در دوم کرنتیان باب دوازده آیه‌های یک تا ده توصیف می‌کند، شباهت زیادی به عرفان شهودی دارد» (صبائی، ۱۳۹۷ش، ص. ۲۸).

### آموزه‌های عرفانی انجیل یوحنا

با مطالعه انجیل یوحنا بدست می‌آید که این انجیل مشتمل بر آموزه‌های عرفانی است. در اینجا به این آموزه‌ها اشاره می‌گردد.

#### مواجهه مستقیم با خداوند

برخی عبارات انجیل بر عدم امکان رؤیت خداوند دلالت می‌کنند: «خدا را هرگز کسی ندیده است. خدای یگانه مولودی که در آغوش پدر است، همان او را ظاهر کرد» (یوحنا، ۱، ص. ۱۸). ویلیام مک دونالد، در تفسیر این عبارت انجیل یوحنا می‌نویسد: «خدا را هرگز کسی ندیده است. خدا روح است بنابراین نادیدنی. او بدنی ندارد. با وجود اینکه او خود را به انسانها در عهد عتیق در شکل دیدنی ظاهر

کرده بود ولی این ظهورات که به شکل فرشته یا انسان بوده، آشکار نکرد که خدا حقیقتاً چگونه است. اینها ظهورات تقریباً موقتی بوده اند که خدا انتخاب کرده تا با مردمش صحبت کند. خداوند عیسی، شایسته یگانه پدر است. او پسر یگانه پدر است. هیچ پسری برای او مثل عیسی وجود ندارد. او همیشه جایگاه خاصی را نزد خدای پدر دارد. حتی زمانی که او روی زمین بود، عیسی هنوز در آغوش پدر بود... این مولود مقدس کاملاً به انسانها اشکار می کرد که خدا چگونه است... تفکر و رفتار خدا در مورد انسانها کاملاً به وسیله مسیح به انسانها ظاهر شد» (مک دونالد، ۱۹۹۵م).

در مقابل، برخی عبارات دیگر، بر امکان مواجهه مستقیم با خداوند دلالت می کنند: «ای حبیبان الان فرزندان خدا هستیم و هنوز ظاهر نشده است آنچه خواهیم بود، لکن میدانیم که چون او ظاهر شود مانند او خواهیم بود زیرا او را چنانکه هست خواهیم دید» (اول یوحنا، ۳، ص ۲). بنابراین این دو دسته از عبارات اناجیل در مورد امکان رؤیت خداوند متناقض نما هستند. برای حل این تناقض ظاهری پاسخهایی ارائه شده است که به دو مورد اشاره می شود:

#### الف: تفاوت بین ذات خداوند و قوایش

«در الهیات تنزیهی ارتدوکس، بین ذات و قوای الهی تمایز گذاشته می شود. ذات خداوند غیرقابل دسترس، درک ناپذیر و توصیف ناشدنی است؛ انسان در دنیا و آخرت بدان شناخت ندارد و نخواهد داشت، حتی فرشتگان مقرب نیز شناختی از آن ندارند. در مقابل، خداوند خود را از طریق قوایش به ما می شناساند. بنابراین، عارف با اینکه ذات خدا را نمی بیند، ولی قوای خدا را مشاهده می کند که در آن خدا حضور دارد. بدین سان، آنجا که آیات متون مقدس نامشهود بودن خدا را بیان می کنند، به ذات خدا اشاره دارند و آنجا که مشاهده ی رودرروی خدا با انسان را بیان می کنند، اشاره به مشاهده ی قوای الهی دارند نه ذات خداوند» (محمد زاده، ۱۳۸۹ش، ص ۱۳۸).

#### ب: رؤیت خدا در جهان دیگر

رؤیت خداوند در دنیا امکان ندارد، اما در آخرت ممکن می باشد. بنابراین عبارات دال بر عدم امکان رؤیت خداوند، مربوط به عالم دنیا است. و عباراتی که بر امکان رؤیت دلالت می کنند، مربوط به عالم آخرت است. «آنچه اکنون می دانیم، بسیار اندک است و آنچه می بینیم، تار و مبهم؛ اما روزی همه چیز را واضح و روشن خواهیم دید، به همان روشنی که خدا حالا قلب مرا می بیند» (اول قرنتیان، ۱۳، ص ۱۲).

در کتاب مقدس شهود خداوند به نور توصیف شده است. در انجیل متی آمده: «و در نظر ایشان هیأت او متبدل گشت، و چهره‌اش چون خورشید درخشنده، و جامه‌اش چون نور سفید گردید.» (متی ۲، ص ۱۷). و یا در افسسیان می‌خوانیم: «ای تو که خوابیده‌ای، بیدار شو و از میان مردگان برخیز، و نور مسیح بر تو خواهد درخشید» (افسسیان ۵: ۱۴). خداوند در عهد قدیم به تاریکی نیز، توصیف شده است. «پس قوم از دور ایستادند و موسی به ظلمت غلیظ که خدا در آن بود نزدیک آمد.» (خروج ۲۱، ص ۲۰).

### ورود به ملکوت خداوند

ملکوت خدا در اناجیل، مرحله‌ای روحانی است، که اناجیل آن را قابل فهم برای همه نمی‌داند. (مرقس ۱۱، ص ۴) این مرحله مکشوف متواضعان و کسانی است که مانند کودکان ساده دل هستند. «در آن وقت عیسی توجه نموده، گفت: "ای پدر مالک آسمان و زمین تو را ستایش می‌کنم که این امور را از دانایان و خردمندان پنهان داشتی و به کودکان مکشوف فرمودی» (متی ۲۵، ص ۱۱). ملکوت خدا برای کسانی است که به مرحله فقر روحی رسیده‌اند. «خوشا بحال مسکینان در روح، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است» (متی ۳، ص ۵).

دل‌بستگی به امور دنیوی مانع رسیدن به ملکوت خدا می‌باشد. «و کسی دیگر گفت: "سرور تو را پیروی می‌کنم لیکن اول رخصت ده تا اهل خانه خود را وداع نمایم." عیسی وی را گفت: "کسی که دست را به شخم زدن دراز کرده از پشت سر نظر کند، شایسته ملکوت خدا نمی‌باشد."» (لوقا ۹: ۶۲) از شرایط ورود به ملکوت خداوند، توبه کردن است. «می‌گفت: "وقت تمام شد و ملکوت خدا نزدیک است. پس توبه کنید و به انجیل ایمان بیاورید."» (مرقس ۱، ص ۱۵).

### وحدت وجود

برخی عبارات اناجیل، بنظر می‌رسد دلالت بر نظریه وحدت وجود دارند. در انجیل یوحنا می‌خوانیم: «همه چیز به واسطه او آفریده شد، و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت» (یوحنا ۱، ص ۳). از ظاهر این عبارت که "به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت" چنین بنظر می‌رسد که وجود ذاتی و حقیقی تنها از آن خداوند است و به غیر از خدا، سایر موجودات همگی، تجلیات خدا و دارای وجودی مجازی می‌باشند.

در کتاب مکاشفه یوحنا نیز می‌خوانیم: «من الف و یاء و ابتدا و انتها و اول و آخر هستم.» (مکاشفه ۱۳، ص ۲۲). بر اساس این عبارت، اول و آخر و ابتدا و انتها، خداوند است. بنابراین چیزی غیر از خدا وجود نخواهد داشت. همه چیز ظهورات خدا خواهند بود.

### انسان کامل

انجیل یوحنا با این عبارات شروع شده است: «در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدایی بود. همان در ابتدا نزد خدا بود. همه چیز به واسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت... و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد پر از فیض و راستی و جلال او را دیدیم جلالی شایسته پسر یگانه پدر... خدا را هرگز کسی ندیده است خدای یگانه مولودی که در آغوش پدر است همان او را ظاهر کرد.» (یوحنا ۱، ص ۱۸-۱).

بر اساس این عبارات، همه چیز بواسطه کلمه، آفریده شده است. و کلمه، واسطه خلقت سایر موجودات می‌باشد. همچنین کلمه، ظاهر کننده کامل خدای پدر است. نویسنده کتاب انجیل به روایت یوحنا، در توضیح این عبارات چنین می‌نویسد: «او {کلمه} میان ما ساکن شد. این امر فقط یک ظهور کوتاه و ناقص نبود... عیسی هنوز در آغوش پدر بود. او شخص مساوی خدا و نزد خدا و خود خدا بود. این مولود مقدس کاملاً به انسانها آشکار می‌کرد که خدا چگونه است. وقتی مردم عیسی را دیدند، آنها خدا را دیدند. آنها صدای خدا را شنیدند. آنها محبت و نیکویی خدا را احساس کردند. تفکر و رفتار خدا در مورد انسانها کاملاً به وسیله مسیح به انسانها ظاهر شد» (انجیل به روایت یوحنا، ص ۱۲-۱۰).

ویژگیهای بیان شده در این عبارات، برای کلمه، مانند ویژگیهایی است که در کتب عارفان اسلامی، برای انسان کامل بیان شده است. انسان کامل، علت آفرینش و ایجاد عالم می‌باشد. «و جعله، ای جعل (الله) الإنسان الكامل، (العین المقصوده) و الغایة المطلوبة (من) إیجاد (العالم) و إبقائه» (جامی، ۱۳۷۰ ش؛ ص ۹۶). «انسان کامل را عین مقصود و غایت مطلوب از ایجاد و ابقای عالم قرار داد».

انسان کامل مظهر جامع حق تعالی می‌باشد. «فانبعث انبعثاً إرادياً إلی المظهر الکلی و الکون الجامع الحاصر للأمر الإلهی، و هو الإنسان الكامل، فأنه الجامع بین مظهریه الذات المطلقه و بین مظهریه الأسماء و الصفات و الأفعال بما فی شأنه (نشئاته - خ) الکلیه من الجمعیه و الاعتدال، و بما فی مظهریه من السعه و الکمال، و هو الجامع ایضاً بین الحقائق الوجودیه و نسب الأسماء الإلهیه، و بین الحقائق

الامکانیه و الصفات الخلقیه فهو جامع بین مرتبتی الجمع و التفصیل، محیط بجوامع ما فی سلسله الوجود، لیظهر فیه بحسبه، و یدرک ذاته حسبما ذکرنا من الحیثیه الجامعه و الجبهه الکامله» (صائن الدین ترکه، ۱۳۶۰ش، ص. ۱۸۰).

«پس اراده اش بر مظهر کلی و کون جامع که دربرگیرنده امر الهی است، برانگیخته شد که همان انسان کامل باشد. او به سبب جمعیت و اعتدالی که در سرشت کلی اش است و به واسطه سعه و کمالی که در مظهریتش وجود دارد، میان مظهریت برای ذات مطلق و مظهریت برای اسماء و صفات و افعال، جامع است؛ نیز میان حقایق وجوبی و نسب اسمای الهی و حقایق امکانی و صفات خلقی جامع است. پس وی جامع بین مرتبه جمع و تفصیل و محیط به جوامع احکام موجود در زنجیره های وجودی است. خیزش مزبور برای آن بود که ذات در انسان کامل و به اندازه وی ظاهر شود و ذات خود را ادراک کند به آن دلیل که یاد شده و آن اینکه انسان حایز حیثیت شریف جامع و جهت کامل می باشد».

### تولد ثانی

از دیدگاه عارفان دو نوع تولد داریم، یک نوع همان تولد عمومی است که با خروج از رحم مادر برای همه اتفاق می افتد. نوع دوم، تولد معنوی است که با دوری از شهوات و کشتن نفس حاصل می شود. حضرت عیسی تولد ثانی و معنوی را شرط ورود به ملکوت خداوند بیان کرده است: «عیسی در جواب او گفت: "آمین آمین به تو میگویم اگر کسی از سر نو مولود نشود ملکوت خدا را نمیتواند دید."» (یوحنا ۳، ص ۳)

### سلوک عارفانه

یکی از مطالب مهم عرفانی که از زمان پولس قدیس مطرح بوده است، سلوک عارفانه است. سلوک عرفانی در تمامی تاملات و اندیشه های عارفان مسیحی مجموعاً سه مرحله داشته است، که عبارتند از: تزکیه، اشراق و اتحاد. (حیدری / بدیع آبادی، ۱۳۹۳ش، ص. ۱۳۴۶).

### تزکیه، اشراق، اتحاد

سلوک عارفانه با سه مرحله اش، که عبارتند از تزکیه، اشراق و اتحاد، قاعده ای است که اول بار توسط نوافلاطونیان به کار برده شد، و نویسندگان مسیحی در ارتباط با حیات معنوی، آن را اقتباس کردند.

به طور کلی این قاعده به توصیف راهی می پردازد که معمولاً روح عارف می پیماید (آندرهیل، ۱۳۸۴ ش، ص. ۳۳).

### مرحله تزکیه

تصفیه معمولاً به معنای تهذیب نفس و کناره گیری از علایق دنیوی است، که تا حدی به واسطه ندامت و تلاش خود سالک- از هنگامی که با جدیت، حیات معنوی را آغاز می کند- به دست می آید و تا حدودی، بواسطه لطف ساری و جاری خدا فراهم می شود. (آندرهیل، ۱۳۸۴ ش، ص. ۳۴).

عهد جدید به پاکی و تقدس، و دوری از گناه، سفارش کرده است. در عبرانیان می خوانیم: «و در پی سلامتی با همه بکوشید و تقدسی که بغیر از آن هیچکس سرور را نخواهد دید. و مترصد باشید مبدا کسی از فیض خدا محروم شود و ریشه مرارت نمو کرده، اضطراب بار آورد و جمعی از آن آلوده گردند. مبدا شخصی زانی یا بی‌مبالات پیدا شود، مانند عیسو که برای طعامی نخستزادگی خود را بفروخت.» (عبرانیان، ۱۲، ص. ۱۶-۱۴).

### مرحله اشراق

سالک در مرحله اشراق، دارای یقین و آرامش است. و حقایق دین، معنا و ارزشهای حقیقی زندگی را در نور الهی درک میکند. این مرحله نتیجه مرحله قبلی و پاداش اراده تسلیم شده است. (آندرهیل، ۱۳۸۴ ش، ص. ۳۵).

امام خمینی (ره) این مرحله را "بشر نورانی" می خواند. ایشان در کتاب آداب نماز می گوید: «بشر نورانی، آن است که تمام قوای ملکیه و ملکوتیه‌اش نوری‌بخش باشد، و علاوه بر آن که خود او را هدایت به سعادت و طریق مستقیم کند، به دیگران نیز نور افشانی کند» (خمینی، ۱۳۷۸ ش، ص. ۲۰۸).

### مرحله اتحاد

اتحاد به معنای هماهنگی کامل و عاری از خودبینی اراده تازه تولد یافته با خداست، که نسبت عارف کامل به خیر ازلی را همچون نسبت دست انسان به خود او قرار می دهد. عارف در حالی که در مراتب قبلی، خود را در مسیر حرکت به سمت روح پاک می دید، اکنون خود را غرق در آن می یابد. (همان). سیر عرفانی مسیحیت برای رسیدن به این مرحله است. (حیدری، بدیع آبادی، ۱۳۹۳ ش، ص. ۱۳۴۷). در مورد قطعه معروف موعظه بر بالای کوه، (متی ۱۲-۵:۳)، اعتقاد بر این است که این

متن در کلیت خود در بر گیرنده شیوه اتحاد مستقیم با خداوند است. (سلیمانی، مرضیه، ۱۳۸۷ش، ص ۲۹).

اکهارت «در موعظه آلمانی خود درباره این فراز از انجیل، که "مردم عادل زندگی همیشگی خواهند داشت و پاداش آنان با خداست"، می گوید، "ما کاملاً تغییر ماهیت یافته و به خدا تبدیل شده ایم" و در ادامه می گوید همانطور که نان به بدن مسیح تبدیل می شود همین طور هم نفس به خدا تبدیل می شود، آنچنان که هیچ فرقی باقی نمی ماند. "خدا و من یکی هستیم. من از راه شناخت، خدا را به خودم تبدیل می کنم، من از راه عشق در خدا وارد می شوم" همانطور که آتش چوب را به آتش تبدیل می کند، "همینطور ما به خدا تبدیل می شویم"» (کاپلستون، ۱۳۸۸ش، ص ۲۲۵).

خدا در مسیحیت ذات واحد است. اگر چه چنانکه از اناجیل بدست می آید دارای سه جنبه پدر، پسر و روح القدس می باشد. «در خانه پدر من منزل بسیار است...» (متی ۱۴:۲). و در فصل ۱۶ می خوانیم: «لیکن چون تسلّی دهنده که او را از جانب پدر نزد شما میفرستم آید، یعنی روح راستی که از پدر صادر میگردد، او بر من شهادت خواهد داد.» (متی ۱۶:۲۶).

این گونه عبارات اناجیل در مورد ذات خدا، متناقض است. هر چند برخی اندیشمندان مسیحی در جهت رفع این تناقضات توضیحاتی ارائه کرده اند. اما با این تلاشها مشکل تناقض حل نمی شود. از نظر قرآن، قول به تثلیث مسیحی باطل است. قرآن صریحاً قائلان به تثلیث را کافر شمرده، و "خداوند" را ذات واحد، و یگانه معرفی کرده است. در سوره مائده می خوانیم: «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثٌ ثَلَاثَةٌ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (مائده، ۷۳).

«آنان که گفتند: خدا یکی از [این] سه تاست [پدر، پسر، روح] یقیناً کافر شدند، و حال آنکه هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست. و اگر از آنچه می گویند باز نایستند، قطعاً به کسانی از آنان که [به سبب چنین اعتقادی] کافر شدند، عذابی دردناک خواهد رسید.»

### عشق، راه اتحاد با خدا

اساس و محور دین مسیحیت بر پایه عشق است. آیات بسیاری از کتاب مقدس و نیز شیوه زندگانی عیسی مسیح (ع)، موبد همین مطلب است. (وکیلی، ۱۳۹۵ش، ص ۷۲). در عهد جدید می خوانیم: «و

ما دانسته و باور کرده‌ایم آن محبتی را که خدا با ما نموده است. خدا محبت است، و هر که در محبت ساکن است در خدا ساکن است، و خدا در وی» (اول یوحنا ۴:۱۶).

همچنین در انجیل یوحنا می‌خوانیم: «هر که احکام مرا دارد، و آنها را حفظ کند، آن است که مرا محبت می‌نماید، و آنکه مرا محبت می‌نماید پدر من او را محبت خواهد نمود، و من او را محبت خواهم نمود، و خود را به او ظاهر خواهم ساخت.» یهودا نه آن اسخریوطی<sup>۲</sup> به وی گفت: «ای سرور چگونه می‌خواهی خود را به ما بنمایی و نه بر جهان؟» عیسی در جواب او گفت: «اگر کسی مرا محبت نماید کلام مرا نگاه خواهد داشت و پدرم او را محبت خواهد نمود و بسوی او آمده نزد وی مسکن خواهیم گرفت. و آنکه مرا محبت ننماید کلام مرا حفظ نمی‌کند، و کلامی که می‌شنوید از من نیست بلکه از پدری است که مرا فرستاد. این سخنان را به شما گفتم وقتی که با شما بودم. لیکن تسلی‌دهنده یعنی روح القدس که پدر او را به اسم من می‌فرستد، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه به شما گفتم به یاد شما خواهد آورد» (یوحنا ۱۴، ص ۲۱-۲۶).

با توجه به این عبارات و همچنین بند های، ۱۴: ۲۰-۱۵ / ۱۵: ۱۵ / ۲۶: ۱۵-۱۴ انجیل یوحنا، «حضرت مسیح آمد که عشق خدا را به انسان نشان دهد و بنمایاند که چگونه و تا چه حد باید به مردم عشق ورزید و هر که این مسیر را بپیماید در راه خداست و با او متحد خواهد شد. اما انسان به علت گناه ذاتی نمی‌تواند به خدا و خلق او عشق بورزد، مگر این که روح القدس در او سکنا گزیند کاری که حضرت مسیح انجام داد و تجسد او سبب شد تا روح القدس در انسان متجلی شود و سکنا گزیند. با تجسد مسیح دیگر انسان‌ها می‌توانند از حضرت روح القدس بهره‌مند شده، و بر گناه ذاتی غلبه یابند، و به خدا و مردمان محبت ورزند» (مظاهری سیف، ۱۳۸۷ش، ص ۱۳۱). بنابراین «روح القدس، با حضور در درون روح اشخاص مومن آنان را قادر می‌سازد تا در عشق و عظمت ابدی مشارکت نموده و با پدر و پسر اتحاد یابند» (مظاهری سیف، ۱۳۸۷ش، ص ۱۳۱).

پس می‌توانیم بگوییم: «سیر عرفان مسیحی به اتحاد با خدا بواسطه کلمه او، مسیح است. همانطور که مسیح با خدا متحد است انسان‌ها نیز می‌توانند با خداوند متحد شوند. فقط با این تفاوت که وحدت مسیح ذاتی (Unus) است، ولی وحدت مومنان وفقی (Unum) و با واسطه. فرق این دو عبارت

<sup>۲</sup> غیر از یهودای مسمی به اسخریوطی



یکی بودن (to be one) و یکی شدن (to be the one) است» (مظاهری سیف، ۱۳۸۷ش، ص. ۱۲۹) «بر این اساس هر چند انسان هیچ تناسبی با خداوند ندارد تا با او اتحاد یابد زیرا مانع بزرگ گناه ذاتی نیز در میان است، اما بواسطه خدای پسر انسان می‌تواند به اتحاد با خداوند یکتا نایل گردد» (مظاهری سیف، ۱۳۸۷ش، ص. ۱۲۹)

«در آثار یوحنایی اتحاد در قالب استعاره‌هایی گیاهی بیان شده است. "من تاک هستم و شما شاخه‌ها"<sup>۳</sup> و بی‌باکانه‌تر در قالب اصطلاحات مربوط به اتحاد عیسی با پدرش. "تا همه یک گردند چنانکه تو ای پدر در من هستی و من در تو تا ایشان نیز در ما یک باشند"<sup>۴</sup>» (صبائی، ۱۳۹۷ش، ص. ۱۱۷).

در رساله اول قرن‌تین می‌خوانیم: «و اگر نبوت داشته باشم و جمیع اسرار و همه علم را بدانم و ایمان کامل داشته باشم، بحدی که کوهها را نقل کنم، و محبت نداشته باشم هیچ هستم. و اگر جمیع اموال خود را صدقه دهم و بدن خود را بسپارم تا سوخته شود، و محبت نداشته باشم هیچ سود نمی‌برم.» (اول قرن‌تین ۱۳، ص. ۲-۳). بنابراین «عشق به خدا و بندگانش راه مسیح است، که اتحاد با خدا و رسیدن به "هست"، حیات جاودان در خداوند و مشارکت در ملکوت را میسر می‌سازد» (مظاهری سیف، ۱۳۸۷ش، ص. ۱۳۰).

هادیوچ، عارف مسیحی، مقام اتحاد را چنین توصیف می‌کند: «حلاوت خارق العاده‌ای است، که در آن عاشق و معشوق هر کدام در دیگری سکنا گزیده‌اند، و آنقدر در یکدیگر حلول کرده‌اند که هیچ کدام نمی‌توانند خود را از دیگری بازبندند... آن دو یک چیزند که با هم آمیخته‌اند، ولی باز هم دو نفس متمایزند» (به نقل از: کاکایی، ۱۳۹۴ش، ص. ۱۴۲-۱۴۱).

«یوحنا برای ارتقای سطح وحدت میان مسیحیان یوحنایی، به استفاده از مفهوم درونماندگاری متوسل می‌شود، عیسی در باب هفدهم آیه ۲۱ از پدر چنین مسئلت می‌کند: "تا جملگی یکی باشند همچنان که تو ای پدر در منی و من در توام" بنابراین در انجیل یوحنا اتحاد با خدا در فرد فرد مومنان اتفاق می‌افتد، همانطور که اتحاد با مسیح» (صبائی، ۱۳۹۷ش، ص. ۳۹).

<sup>۳</sup> یوحنا ۱۵:۵

<sup>۴</sup> یوحنا ۱۷:۲۱

«عارفان سده های میانه نظیر برنارد کلرووایی معمولا در توصیف اتحاد با مسیح از محبت سخن گفته اند، اما لوتر و کالون برای آنکه مشخص کنند این اتحاد نتیجه لطف خداست و نه تلاش انسان، از ایمان سخن به میان آورده اند. اما این سخن بدان معنا نیست که محبت هیچ نقش و کارکردی ندارد، کالون و لوتر محبت را نتیجه محتوم ایمان می دانستند» (صبائی، ۱۳۹۷ش، ص. ۱۶۲).

از نظر کالون، «اتحاد عرفانی دستاورد فرعی تجربه نظری در دیرها یا نتیجه جانبی گونه ای آداب معنوی در میان مومنان نیست. اتحاد با مسیح در اقرار به ایمان، مشارکت در آیین های مقدس، و در پیش گرفتن حیات اخلاقی نمود می یابد» (صبائی، ۱۳۹۷ش، ص. ۱۶۳).

### نتیجه گیری

عهد جدید مشتمل بر چهار انجیل است، که در ابتدای آن قرار دارند و عبارتند از: انجیل لوقا، انجیل متی، انجیل مرقس و انجیل یوحنا. مطالب انجیل یوحنا متفاوت از انجیل دیگر است. مطالب سه انجیل دیگر شبیه هم می باشند، و از این جهت به آن ها، انجیل هم نوا می گویند. با مطالعه و جستجو در انجیل هم نوا به این نتیجه می رسیم که این انجیل، مشتمل بر آموزه های عرفانی: زهد گرای، رهبانیت و تجربه های عرفانی می باشند. و با مطالعه انجیل یوحنا، بدست می آید که این انجیل، دارای آموزه های عرفانی: مواجهه مستقیم با خداوند، ورود به ملکوت خداوند، وحدت وجود، انسان کامل، تولد ثانی و اتحاد با خدا از راه عشق ورزیدن است. پس در همه انجیل چهار گانه، مباحث عرفانی بیان شده است. با این تفاوت که آموزه های عرفانی، خصوصا الهیات عرفانی، در انجیل یوحنا، نسبت به انجیل هم نوا، جایگاه بیشتری دارند. و لذا محتوای انجیل یوحنا، عرفانی تر از انجیل هم نوا می باشد. بنابراین انجیل چهار گانه، و مخصوصا انجیل یوحنا، از منابع اصلی عرفان مسیحیت می باشند.

### منابع

قرآن

کتاب مقدس

آندر هیل، اولین، (۱۳۸۴ش)، عارفان مسیحی، مترجم: محمودیان، حمید/ مویدی، احمد رضا، مرکز

مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم.

ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، (۱۳۸۵ش)، دعائم الإسلام، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم.

- ادریسی، فرهاد، (پاییز ۱۳۸۶)، عرفان و رهبانیت در مسیحیت، عرفان اسلامی (ادیان و عرفان)، سال چهارم، (شماره ۱۳)
- بادامی، علی، (پاییز و زمستان ۱۳۹۰)، خاستگاه و ظهور عرفان مسیحی، پژوهشنامه ادیان، سال پنجم، (شماره دهم).
- جامی، عبدالرحمان، (۱۳۷۰ش)، نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص، ج ۲، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران.
- حیدری، حسین / محمد رضا بدیع آبادی، (۱۳۹۳ش)، گذری در مبانی عرفان مسیحی در کتاب مقدس، اولین کنگره ملی تفکر و پژوهش دینی.
- خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۸ش)، آداب الصلاه، ج ۷، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران.
- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، (بی تا)، عرفان اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نمایندگی ولی فقیه مرکز تحقیقات اسلامی، تهران.
- سلیمانی، مرضیه، بررسی کتاب آثار بنیادین عرفان مسیحی، کتاب ماه دین سال دوازدهم آبان و آذر ۱۳۸۷ شماره ۱۳۳ و ۱۳۴.
- شعیری، محمد بن محمد، (بی تا)، جامع الأخبار (لشعیری)، مطبعه حیدریه، نجف.
- صائن الدین علی بن ترکه، (۱۳۶۰ش)، تمهید القواعد، چاپ اول، انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی، تهران.
- صبائی، محمد، (۱۳۹۷ش)، درباره عرفان مسیحی: مقالاتی از برنارد مک گین و دیگران، ققنوس، تهران.
- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۸۸ش)، شیعه در اسلام (طبع جدید)، ج ۵، موسسه بوستان کتاب، قم.
- عطار، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۵ش)، تذکره الاولیاء، [منبع الکترونیکی]، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، قم.
- غزالی، ابوحامد محمد بن محمد، (۱۳۸۷ش)، احیاء علوم الدین، مترجم: خوارزمی، مؤیدالدین محمد، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، قم.

- قیصری، داوود، (۱۳۸۱ش) رسائل قیصری، محقق / مصحح: سید جلال الدین آشتیانی، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران.
- کاپلستون، فردریک چارلز، (۱۳۸۸ش) تاریخ فلسفه، جلد ۳، مترجم: ابراهیم دادجو، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- کاکایی، قاسم، ۱۳۹۴ش، وحدت وجود به روایت ابن عربی و مایستر اکهارت، هرمس، تهران.
- مایکل، توماس، (۱۳۸۱ش) کلام مسیحی، ترجمه توفیقی، حسین، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم.
- محمدزاده، نادر، (پاییز و زمستان ۱۳۸۹ش)، مجله ادیان و عرفان، شماره دوم، سال چهل و سوم.
- مصباح یزدی، محمد تقی، (بی تا)، در جستجوی عرفان اسلامی، تدوین و نگارش: محمدمهدی نادری قمی، جلد اول، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم.
- مظاهری سیف، حمیدرضا، (۱۳۸۷ش)، جریان شناسی اعتقادی عرفانهای نوظهور، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم.
- نیکزاد، عباس، (۱۳۹۳ش)، کتاب مقدس زیر ذره بین، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، قم.
- ویلیام مک دونالد، (۱۹۹۵م)، تفسیر انجیل یوحنا.
- هینلز جان راسل، (۱۳۸۶ش)، فرهنگ ادیان جهان، مترجم: پارسایی، عسکری، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم.
- وکیلی، هادی، (تابستان ۱۳۹۵)، بررسی مقایسه ای نقش عشق در سلوک عرفانی از منظر امام خمینی (ره) و خوان دلاکروث، حکمت معاصر، سال هفتم، (شماره دوم).